

شرق روزنامه

نگاه

عطش قدرت محافظه‌کاران بل‌پیروزی ترزا می

جاناتان فریلند*، ترجمه: هادی آذری

اینکه حزب محافظه‌کار به لحاظ انتخاباتی موفق‌ترین سازمان سیاسی در جهان غرب محسوب می‌شود، یک دلیل دارد؛ آنها اراده‌ای آهنین دارند که رقبایشان فاقد آن هستند و اتفاقات چند روز گذشته در این حزب، یک‌بار دیگر این اراده آهنین را به منصه ظهور رساند.

استعفای «دیوید کامرون»، نخست‌وزیر سابق بریتانیا، این حزب را در آستانه یک جنگ داخلی قرار داد. با وجود نمایش بی‌شرمانه خیانت‌باری که در آن، رهبران حزب محافظه‌کار یکی پس از دیگری از پشت به هم خنجر زدند، آنها امروز بر سر چهره‌ای واحد به اجماع رسیده‌اند. خیلی زود، «ترزا می» در قامت نخست‌وزیر بریتانیا ظاهر شد و (اکثریت) حزب توری با او بیعت کرد. در قیاس با کشمکش طاقت‌فرسا و فرسایشی حزب «کارگر»، چالاکي محافظه‌کاران مانند حرکات سریع یک جراح چیره‌دست می‌ماند.

کناره‌گیری «آندره لِدسام» رقیب می، اجتناب‌ناپذیر نبود و روند اتفاقات می‌توانست طوردیگری رقم بخورد. درواقع مسئله این نبود که او خود را در رقابت با می محتوم به شکست می‌دانست و برای اینکه خود را مضحکه خاص و عام نکند، میدان را برای می خالی کرد؛ بر عکس، با وجود همه ضعف‌های آشکارش، لِدسام یک برگ برنده داشت؛ او می‌توانست از احساسات ضداتحادیه اروپایی ۱۵۰ هزار عضو حزب که قرار بود در یک رأی‌گیری سرنوشت رهبری آینده محافظه‌کاران را مشخص کنند، بهره گیرد. شواهد و قرائن حاکی از آن بود که آنها کاندیدایی را ترجیح می‌دادند که حنجره‌اش را در مخالفت با اتحادیه اروپا پاره کند. این کاندیدا، لِدسام بود.

با وجود این، اظهارات او مبنی بر اینکه او خلاف می صاحب فرزند است و به‌همین‌خاطر دغدغه‌مندی بیشتری نسبت به آینده دارد؛ برای او گران تمام شد. شاید او براساس یک قضاوت و ارزیابی سیاسی به این نتیجه رسیده باشد که با این اظهاراتش، ضربه سنگینی به اعتبار و وجهه خودش وارد آورده و به‌همین‌خاطر شانس خود را برای پیروزی، حداقلی می‌دبد. با شاید در یک تصمیم شخصی به این نتیجه رسیده باشد که او توان تحمل این حجم توهین و استهزایی را که در انتظار اوست ندارد؛ توهین‌ها و تمسخرهایی که چشمه‌ای از آن را در روزهای اخیر ششیده بود. شاید تحمل اینکه ۹ هفته نقش «سارا پالین» بریتانیا را بازی کند، از توان او خارج بوده است.



در بیانیه کوتاه لِدسام، او دلیل کناره‌گیری خود را بنود «حمایت کافی» در پارلمان عنوان کرد. او گفت حتی اگر رأی اعضای حزب را هم به‌دست می‌آورد، بدون حمایت نمایندگان محافظه‌کار پارلمان، اداره کشور برای او غیرممکن بوده است. باین‌حال، این واقعیت که همان هفته گذشته نیز پارلمان سیگنال‌های آشکاری در حمایت از او فرستاده بود، ما را وای می‌دارد تا در صحت و درستی این دلایل تردید کنیم. پس باید اتفاق دیگری رخ داده باشد.

با توجه به همه این مسائل، بریتانیا دومین نخست‌وزیر زن تاریخ خود را مشاهده کرد. علاوه‌براین، رهبر جدید حزب محافظه‌کار، سکان هدایت دولتی را در دست خواهد گرفت که وظیفه اصلی آن خروج از اتحادیه اروپاست. این مسئله می‌تواند دست‌مایه و بهانه‌ای برای تنش بیشتر بر سر اروپایی باشد که سه نخست‌وزیر محافظه‌کار آخر بریتانیا را به خاک سیاه نشاند.

از همان آغاز کار، می تحت فشار مداوم از سوی آت‌هایی است که منتظرند تا مچ او را در خیانت به حکمی که مردم در رفراندوم ۲۳ ژوئن صادر کردند، بگیرند. می با آگاهی از این مسئله، همان روزی که رهبری او برای حزب محافظه‌کار مسلج شد، با به‌زبان آوردن این عبارت که معنای «برگزیت، برگزیت، برگزیت است»، موضع خود در قیال خروج از اتحادیه اروپا را تکرار کرد. کاملاً روشن است که آنکارا دشمنی با کردها در سوریه را در رأس اولویت‌های خود قرار داده است. همان‌گونه که در داخل ترکیه این کار را انجام می‌دهد. اما اینکه چقدر می‌تواند در سوریه مانعی جدی بر سر راه کردها باشد پرسشی است که پاسخ به آن نیازمند زمان است. از سوی دیگر، باید دید آیا روسیه حاضر است در مقابل درخواستی ترکیه سیاست خود علیه کردها را هجومی کند. موضع‌گیری اخیر روسیه درخصوص اینکه اگر کردها برای آمریکایی‌ها نجنبند از آنها حمایت نظامی خواهد کرد نشان می‌دهد روسیه نیز علاقه فراوانی دارد که از کارت کردها در حال و آینده سوریه بهره بگیرد بنابراین نمی‌توان زیاد امیدوار بود که محدودسازی کردها توسط اردوغان آن‌گونه که در داخل ترکیه صورت می‌گیرد در سوریه نیز عملیاتی شود.

از دیگر سو، اتفاقات اخیر در حزب محافظه‌کار زنگ خطر را برای حزب کارگر به صدا درآورده است. سخنرانی می نشان داد آنها با رقیب سرسختی مواجهند؛ فردی که خیلی سریع با در کفش حزب کارگر کرد. او درباره نابرابری، جنسیت‌زدگی، نژادپرستی، اختلاف طبقاتی و ناکامی دولت در کمک به بیماران ناسمزد بر صندلی نخست‌وزیری تکیه زند. در چنین شرایطی بازارها که قوت قلب دوباره‌ای یافته‌اند، به این مسئله واکنش مثبتی نشان دادند و این مسئله فقط به بازار محدود نخواهد ماند.

از دیگر سو، اتفاقات اخیر در حزب محافظه‌کار زنگ خطر را برای حزب کارگر به صدا درآورده است. سخنرانی می نشان داد آنها با رقیب سرسختی مواجهند؛ فردی که خیلی سریع با در کفش حزب کارگر کرد. او درباره نابرابری، جنسیت‌زدگی، نژادپرستی، اختلاف طبقاتی و ناکامی دولت در کمک به بیماران ناسمزد بر صندلی نخست‌وزیری تکیه زند. در چنین شرایطی بازارها که قوت قلب دوباره‌ای یافته‌اند، به این مسئله واکنش مثبتی نشان دادند و این مسئله فقط به بازار محدود نخواهد ماند.

✽ ستون نویس گاردین

روزنه

ترکیه و چرخش ناگهانی

ترکیه با همان سرعت غیرقابل‌پیش‌بینی‌ای که یک جنگنده روسیه را ساقط کرد، یکباره تغییر مسیر داد و رئیس‌جمهور آن ترجیح داد روابط با روسیه را ترمیم کند. کُردها می‌روند که با کنترل شهر «منبج» در شمال سوریه خود را به شهر «الباب» و بعد به «اعزاز» و «عفرین» برسانند و عملاً تمامی نوار مرزی سوریه با ترکیه را تحت کنترل خود درآورند.

ترکیه خوب می‌داند که کُردهای سوریه نه‌تنها در عرصه نظامی‌ها هم بلکه در عرصه سیاسی هم روند روبه‌جلویی دارند. آنها می‌روند که زمینه‌های انتخابات را در مناطق تحت کنترل خود فراهم کنند. دراین‌میان دیگر آمریکایی‌ها هم به سخنان مقامات ترکیه که حزب «اتحاد دموکراتیک سوریه»، حزب «کارگران کردستان» (پ‌ک‌ک) و داعش همه تروریست هستند، چندان توجهی نمی‌کنند.

کارشناس معتقدند که نفوذ رو به گسترش کردها در سوریه، عامل محرکی شده است تا «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهور ترکیه، با وجود سخنان قبلی خود رابطه با روسیه را بهبود بخشد. «ماکسیم سوسخوف»، یکی از سیاسیون روس در این‌باره می‌نویسد: اکثر ناظران روسی معتقدند که حرکت اخیر اردوغان به دلیل ضربه اقتصادی‌ای است که روسیه به‌ترکیه وارد کرد. همچنین ایجاد رابطه با اروپا آن‌گونه که مورد انتظار اردوغان بود پیش نرفت. در کنار همه اینها سوریه و مسئله کردها هم دردسر بزرگی برای ترکیه ایجاد کرده است، درحالی‌که رابطه با واشنگتن نیز به سردی گرایده.

واقعیت این است که گذر از این مرحله برای آنکارا توام با خطرات و تهدیدات بزرگی است چون همکاری بی‌سابقه ترکیه با گروه‌های تروریستی این بیم را به وجود آورده است که این‌ کشور مرکز بمب‌گذاری‌های تروریستی شود. «چنگیز کنداریکی»، از تحلیل‌گران ترک، در گفت‌وگو با «المانیِتور» وارد جزئیات بیشتری می‌شود و می‌گوید: سال‌هاست که ترکیه «بزرگراه جهادی‌ها» بوده و مرزهایش محل عبور سهل و آسان برای اعضای گروه‌های سلفی مخالف سوری بوده که مورد حمایت آنکارا، قطر و عربستان بوده‌اند. این گروه‌ها شامل جبهه النصره، داعش و شرکای آنها نیز بوده است. این راز دیگر آشکار شده‌ که داعش هسته‌های خفته بسیاری در ترکیه دارد. تحت چتر حمایتی حزب حاکم عدالت و توسعه بود که انواع فعالیت‌های افراطی مورد استقبال قرار گرفت و داعش از این فرصت استفاده کرد و خاک ترکیه را محلی امن برای خود یافت.

کاملاً روشن است که آنکارا دشمنی با کردها در سوریه را در رأس اولویت‌های خود قرار داده است. همان‌گونه که در داخل ترکیه این کار را انجام می‌دهد. اما اینکه چقدر می‌تواند در سوریه مانعی جدی بر سر راه کردها باشد پرسشی است که پاسخ به آن نیازمند زمان است. از سوی دیگر، باید دید آیا روسیه حاضر است در مقابل درخواستی ترکیه سیاست خود علیه کردها را هجومی کند. موضع‌گیری اخیر روسیه درخصوص اینکه اگر کردها برای آمریکایی‌ها نجنبند از آنها حمایت نظامی خواهد کرد نشان می‌دهد روسیه نیز علاقه فراوانی دارد که از کارت کردها در حال و آینده سوریه بهره بگیرد بنابراین نمی‌توان زیاد امیدوار بود که محدودسازی کردها توسط اردوغان آن‌گونه که در داخل ترکیه صورت می‌گیرد در سوریه نیز عملیاتی شود.



نگاهی واقع‌گرایانه به توافق ترکیه و اسرائیل

اما واگرهای دوستی ۲ دشمن قدیمی

ترجمه: محمدعلی عسگری

حتی برای کارهای روزانه است. همچنین این منطقه به‌شدت نیازمند همان برقی است که هیچ خانه‌ای در دنیا بی‌نیاز از آن نیست. الان تابستان است و هوا به‌شدت گرم. مردم غزه حتی نمی‌توانند از پنکه استفاده کنند. تنگناهای مالی نیز به‌شدت انتقال پول به غزه را با مشکل مواجه کرده است. از اینها گذشته کمبود سوخت و سایر مایحتاج زندگی به صورت کلی همه را آسیب‌پذیر کرده است. ازاین‌رو غزه در انتظار برداشتن تحریم‌های اسرائیل بود و هست تا مردم بتوانند نفسی بکشند. غزه با محاصره صهیونیستی – عربی در حال خفه‌شدن است و متأسفانه حتی برخی از گروه‌های فلسطینی نیز مایل‌اند این محاصره تشدید شود. از سوی دیگر، ترکیه وقتی از سیاست صفرکردن مشکلات خود با همسایگان دست برداشت، خود را منزوی کرد. درحال‌حاضر این کشور ارتباط خوبی با همسایگانش ندارد و از ابتدای جنبش‌های موسوم به بهار عربی به‌ویژه با توجه به تحولات سوریه، روابط این کشور با همسایگانش در منطقه رو به تیرگی بیشتر گذاشت. ترکیه روابطی متشنج با سوریه، عراق، ایران، روسیه، ارمنستان و یونان دارد. تعداد گردشگران ترکیه به‌ویژه از جانب روسیه و اسرائیل به‌شدت کاهش پیدا کرده است. بالاخره «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهور ترکیه پیامدهای داشتن روابط تنش‌زا با دیگران را دریافت. او همچنین فهمید باید درها را به روی دیگران باز کرد و اسرائیل در اولویت است. اردوغان حتی

 	اردوغان حتی خلاف آنچه تصور می‌شد به دلیل سقوط یک هوایپمای روسی حاضر شد از رئیس‌جمهور این کشور عذرخواهی کند. اینها همه یابگران آن بود که استمرار تنش‌ها دارد به اقتصاد ترکیه آسیب می‌رساند و در نهایت به محبوبیت حزب حاکم «عدالت و توسعه» و رهبرانش در بین مردم و در نهایت نتیجه انتخابات آینده لطمه خواهد زد	
---	--	---

خلاف آنچه تصور می‌شد به دلیل سقوط یک هوایپمای روسی حاضر شد از رئیس‌جمهور این کشور عذرخواهی کند. اینها همه یابگران آن بود که استمرار تنش‌ها دارد به اقتصاد ترکیه آسیب می‌رساند و در نهایت به محبوبیت حزب حاکم «عدالت و توسعه» و رهبرانش در بین مردم و در نهایت نتیجه انتخابات آینده لطمه خواهد زد. دراین‌میان اسرائیل نیز احساس می‌کرد تراکم فشارها بر غزه ممکن است به یک انفجار جدید منجر شود و این رژیم را درگیر جنگ تازه‌ای کند. در سال ۲۰۰۸ دیدیم که به دلیل تشدید تحریم‌ها چگونه غزه بر مصر شورید. مردم، مرزهای دوران استعماری بین فلسطین و مصر را شکسته و به‌زور وارد صحرای سینا شدند تا نیازهای روزمره‌شان را خریداری کنند. رژیم صهیونیستی نیز بعید نمی‌داند که گروه‌های مقاومت فلسطینی یک‌بار دیگر موشک‌هایشان را روانه اسرائیل کنند یا از طریق تونل‌ها به شهرک‌نشینان اسرائیلی حمله کرده و کلید شروع یک جنگ جدید در غزه را بزنند. تل‌آویو الان حاضر به پذیرش یک جنگ جدید علیه غزه نیست زیرا به‌لحاظ جبهه داخلی آمادگی‌اش را ندارد. همچنین موضع بین‌المللی نسبت به اوضاع غزه مساعد نیست. جبهه داخلی اسرائیل از هم پاشیده است و به نظر می‌رسد ارتش به‌دلیل شکست‌هایی که در چند جنگ متوالی در لبنان و غزه خورد سرخورده شده است. از سوی دیگر، طرف‌های بین‌المللی به‌دنبال راهی برای کاهش فشارها بر غزه هستند تا نگذارند که یک‌بار دیگر این منطقه منفجر شده و جنگ تازه‌ای به وجود آید. زیرا نتایج منفی چنین جنگی بر کل منطقه و به‌ویژه بر منافع درازمدت غربی‌ها اثر خواهد گذاشت.

ترکیه از سوی مخالفان سازش با اسرائیل به دلیل امضای توافق‌نامه اخیر در معرض انتقادات گسترده‌ای قرار گرفت. منتقدان می‌گویند ترکیه باب جدیدی را در مسیر عادی‌سازی روابط با اسرائیل گشوده است که می‌تواند مشوق سایر کشورهای عربی و اسلامی نیز باشد. به گفته آنها ترکیه‌ای که قبل از حقوق ملی فلسطینی‌ها دفاع می‌کرد، با امضای توافق‌نامه اخیر به آنها خیانت کرده است. در رابطه با این انتقاد چند نکته را نباید نادیده گرفت:

۱- ترکیه هرگز مخالف داشتن روابطی عادی با اسرائیلی‌ها نبوده است. همه می‌دانند که بعد از ایران دوران شاهنشاهی، ترکیه دومین دولتی بود که در سال ۱۹۴۹ اسرائیل را به رسمیت شناخت. ترکیه بر همین اساس توانست روابط اقتصادی، سیاسی و گردشگری با اسرائیل داشته باشد. این دو همچنین در زمینه‌های نظامی و امنیتی همکاری‌های گسترده‌ای با هم داشتند. تنها در شش سال گذشته بود که روابط اسرائیل و ترکیه به دلیل حمله نیروهای اسرائیلی به کشتی ماوی مرمره وارد مرحله تازه‌ای شد.

۲- فلسطینی‌ها اعم از مقامات رسمی و توده‌های مردم تقریباً بیش از هر

۲- فلسطینی‌ها اعم از مقامات رسمی و توده‌های مردم تقریباً بیش از هر صورتی اساسی‌تر آدمی را به نتیجه برساند. نویسنده یا تحلیلگری که این روابط دیالکتیکی را نداند یا نتواند بین آنها پیوند برقرار کند، نمی‌تواند به نتیجه‌ای درست برسد. یک واقعیت روشن را نباید فراموش کرد و آن اینکه ترکیه عضو ناتو به شمار می‌رود و این مجموعه به لحاظ امنیتی و نظامی به اشکال گوناگون با اسرائیل پیوند دارد. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، ترکیه به صورتی مستقیم یا غیرمستقیم به لحاظ امنیتی و نظامی با اسرائیل ارتباط داشته است. رابطه امنیتی و نظامی از روابط اقتصادی و گردشگری بسیار قوی‌تر است و به‌آسانی نمی‌توان آنها را از هم گسست. اگر ترکیه می‌خواست به تعهدات امنیتی خود به اسرائیل پایان دهد، باید پیش از آن از ناتو خارج می‌شد. مادام که ترکیه عضویت خود را در ناتو حفظ کند، باید به تعهدات امنیتی خود در قبال اسرائیل نیز پایبند باشد. بنابراین ما نباید از این عادی‌شدن روابط جا خورده یا تعجب کنیم. مسئله دیگر این است که ترکیه در سال‌های گذشته نیز درهای ارتباط خود را با اسرائیل نبسته بود. این درها کمابیش باز بود تا فرصت‌های گفت‌وگو بین طرفین از بین نرود. به این معنا که ترکیه رویش را از اسرائیل برنگردانده بود، بلکه همواره به اسرائیل چشم داشت و به دنبال فرصتی برای ترمیم روابط بود. ترکیه، اسرائیل را از محاسبات خود خارج نکرده بود و دیدیم که حتی برای تجدید روابط شروطی گذاشت. به این معنا که آمادگی آن را داشت تا دوباره روابط را به سطحی که در گذشته بود بازگرداند. همچنین ما نباید انتظار داشته باشیم ترک‌ها بیشتر از خود فلسطینی‌ها، فلسطینی باشند. کسی که از دیگران بخواهد برایش فداکاری کنند، باید خود پیشاپیش قدم بردارد.

وضعیت‌طرف‌های سه‌گانه

طرف‌هایی که به طور مستقیم با این مسئله درگیر بودند عبارت‌اند از غزه، ترکیه و اسرائیل. اینها هرکدام دارای تنگناهای خاص خود بودند و امید داشتند با این توافق مشکلاتشان برطرف شود. برای مثال غزه دچار بحران شدید و نفس‌گیری است. محاصره اقتصادی همچنان دنبند زندگی روزمره مردم در این منطقه را تحت فشار قرار داده است. غزه به‌شدت نیازمند آب بهداشتی سالم

امارات مدعی است به دلیل داشتن میراثی عربی و خلیج فارسی قادر است از شبکه‌های پیچیده قبایل در یمن عبور کند. مقامات آمریکایی نیز تأیید می‌کنند

اماراتی‌ها به دلیل اینکه خارجی نیستند، بیشتر مورد اعتماد مردم هستند و این مسئله برای واشنگتن اهمیت بسیاری دارد. باین‌حال، وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) می‌گوید بعد از عملیات المکلا تعداد اندکی نیروهای نظامی را برای پشتیبانی از مبارزات ضدتروریستی امارات مستقر کرده است.

راه‌حل‌نمونه

«مایکل موریل»، معاون مستعفی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سسیا)، در مجله «پولیتکو» می‌نویسد: حمله‌ای را که ما با امارات در المکلا به صورت هماهنگ ترتیب دادیم، «یک راه‌حل نمونه برای تعامل با گروه‌های